

دستاوردهای دعا در زندگی انسان از منظر روایات اسلامی

علیرضا کمالی*

چکیده

دعا مقوله‌ای از عبادت و از جمله امور هم‌راستای با فطرت آدمی است. داعی بر پایه فطرت پاک خود به خدای خویش وصل گردیده و به ثنا و عبادت او مشغول گشته است. مقاله حاضر بر پایه روایات معصومان علیهم‌السلام می‌کوشد تا مهم‌ترین آثار و دستاوردهای دعا در محضر باری تعالی را مطرح نماید. از آنجاکه انسان دارای دو ساحت مادی و معنوی و به بیان دیگر جسمانی و روحانی است دعا در هر دو بُعد اثرگذار است. بر پایه روایات اسلامی، اموری مانند: آرامش‌بخشی، افزایش تاب‌آوری و تحمل، نهراسیدن از مستکبران، دستیابی به نعمت‌های مادی از جمله آثار دعا در حوزه مادی است و اموری چون: احساس تقرب به خدای متعال، غفلت‌زدایی، رستگاری به واسطه اخلاص در دعا، رشد فضایل اخلاقی، امیدآفرینی و امیدافزایی، تواضع‌آفرینی، تحرک‌زایی از جمله آثار و دستاوردهای دعا در حوزه روحی و معنوی انسان است.

واژگان کلیدی

دعا، روایات اهل بیت علیهم‌السلام، دستاورد دعا، دستاورد مادی، دستاورد معنوی.

طرح مسئله

آفرینش انسان در پرتو دو ساحت جسمی و روحی و به تعبیر دیگر «مادی و معنوی» انجام شده است. بُعد جسمی انسان همانند سایر موجودات حیوانی است. از این رو خدای متعال هدایت این بعد را بر عهده غریزه نهاده است. بر این پایه غریزه، انسان را به هنگام احساس تشنگی به سوی نوشیدن آب هدایت می‌کند و به هنگام احساس برودت به گرما و پوشش مناسب سوق می‌دهد.

بعد روحی انسان، آدمی را از حیوانات متمایز می‌سازد. خدای متعال برای هدایت انسان فطرت را در درون او آفرید؛ فطرتی که قابل تبدیل به غیر نیست: «فَطَّرَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَأُتَدَبَّرَ بِهَا لِيَخْلُقَ اللَّهُ». از این رو فطرت، انسان را به سوی کمالات و خوبی‌ها و اعمال شایسته و رفتارهای نیکو و ... رهنمون می‌گرداند و او را از زشتی و پلشتی باز می‌دارد. به همین جهت است که اغلب انسان‌ها فطرتاً دوست‌دار علم و دانش، عدالت و ... هستند و انسان جاهل و نادان گرچه از علم و حکمت و دانایی بی‌بهره است اما خود را در کسوت علم و عالمان و حکیمان به دیگران عرضه می‌کند و انسان دروغگو، خود را صادق و انسان ظالم، خود را عدالت‌محور و عدالت‌گستر می‌خواند. در دنیای معاصر نمونه‌های عینی آن فراوان قابل مشاهده است.

پرستش و عبادت از جمله امور برآمده از فطرت پاک آدمی است و مشرکان پرستنده چوب، سنگ و ... جداشدگان از مسیر فطرت پاک‌اند که مصداق باطل را به خطا به‌عنوان مصداق حق برگزیده‌اند. دعا نیز مقوله‌ای از عبادت و از جمله امور هم‌راستای با فطرت است. داعی بر پایه فطرت پاک خود به خدای خویش وصل گردیده و به ثنا و عبادت او مشغول گشته است.

از آنجاکه بخش قابل توجهی از متون اسلامی درباره دعا یا در قالب دعا به جامعه اسلامی عرضه شده است، این سؤال قابل تحقیق است که از منظر روایات اسلامی دعا چه دستاوردهای مادی و معنوی را برای انسان به ارمغان می‌آورد؟

درباره آثار دعا از منظر روایات در برخی کتب و مقاله‌های علمی تصریح‌هایی جسته و گریخته صورت پذیرفته اما تاکنون تحقیقی جامع و متمرکز بر این موضوع به رشته تحریر در نیامده است.

مفهوم‌شناسی دعا

ابن فارس اصل ریشه «د ع و» از مصدر «الدعوة» را به معنای تمایل پیدا نمودن دیگری به واسطه ایجاد صوت یا صدور کلام دانسته است. وی می‌افزاید: «الدَّعْوَةُ» به معنای فراخواندن و «الدَّعْوَةُ» به معنای

نسبت دادن فرزند به افراد (فرزندخواندگی) به کار می‌رود.^۱ چنان‌که آیه شریفه: «وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ؛^۲ و خداوند پسرخوانده‌های شما را پسر واقعی [شما] قرار نداده است [و احکام او را ندارد]» و نیز عبارت مشهور «الدَّعِيُّ ابْنُ الدَّعِيِّ: فرد ناپاک‌زاده پسر ناپاک‌زاده» در متون تاریخی، از «الدَّعُوهُ» و فرمایش امیرمؤمنان علی علیه السلام: «مُنِيْتُ يَمَنَ لَا يُطِيعُ إِذَا أَمَرْتُ وَلَا يُجِيبُ إِذَا دَعَوْتُ»^۳ از «الدَّعُوهُ» برگرفته شده است.

مطابق تعریف ابن‌فارس دعا از جنس کلام و صوت است و در دعا مفهوم طلب و درخواست وجود ندارد؛ از این رو معنای دعا با صرف صدا زدن و برقراری ارتباط و مناجات با خدا به‌منظور جلب نگاه و تمایل پروردگار عالمیان به انسان تحقق می‌یابد. تحقق دعا مشروط به داشتن درخواست و طلب در هنگام دعا نیست. درخواست و طلب از پروردگار عالم، فرع بر معنای دعاست.

واژه‌های سؤال، ندا و مناجات در متون اسلامی از جمله واژگان معادل دعا هستند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَاسْمَعْ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَاقْبَلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ.^۴

چیستی دعا از نگاه روایات

دعا سخن گفتن و ابراز عشق و ایجاد محبت و پیوند با خالق هستی؛ خدای متعال است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دعا را به منزله مغز، هسته و روح عبادت دانسته و می‌فرماید: «الدُّعَاءُ مَخُّ الْعِبَادَةِ».^۵ آن حضرت در سخنانی دیگر دعا را به سپر «الدُّعَاءُ تَرَسُ الْمُؤْمِنِ» و سلاح مومن تشبیه نموده است: «أَلَا أَدُّكُمْ عَلَيَّ سِلَاحٌ يُنَجِّيكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَيُدِرُّ أَرْزَاقَكُمْ قَالُوا بَلَى قَالَ تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ».^۶ بسی روشن است که انسان زمانی به عمق این تشبیه حضرت پی خواهد برد که بی‌سلاح در کمین دشمن تا بن دندان مسلح گرفتار آید.

سپر و اسلحه ابزار دفاعی انسان است و دعا چون سلاحی برنده در برابر سختی‌ها و ناملایمات زندگی و چون سپری سخت انسان را در برابر هجوم مشکلات ایمنی می‌بخشد.

۱. ابن‌فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۲۷۹.

۲. احزاب / ۴.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۳۹.

۴. ابن‌طاووس، إقبال الأعمال، ج ۲، مناجات شعبانیه، ص ۶۸۵.

۵. راوندی، سلوة الحزین، ص ۱۸.

۶. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۶۸.

عصر حاضر، عصر هجوم شبهات و شایعات و لجن پراکنی‌های گسترده عوامل شیطانی است. آنچه که می‌تواند انسان را در مقابل هجمات شیطانی و نفسانی مقابله و از آثار آن بر جسم و روح آدمی محافظت نماید دعا و ارتباط با مبدأ هستی است.

امیرمؤمنان علیه السلام نیز دعا را به کلید گنجینه‌های الهی تشبیه و فرموده است:

وَأَعْلَمُ أَنَّ الَّذِي بِيَدِهِ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ أَذِنَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ وَ تَكْفُلُ لَكَ بِالْإِجَابَةِ،
وَأَمْرَكَ أَنْ تَسْأَلَهُ لِيُعْطِيَكَ؛ وَ تَسْتَرْحِمُهُ لِيُرْحَمَكَ، وَ لَمْ يَجْعَلْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ مَنْ يَحْجُبُهُ عَنْكَ.^۱

اهمیت دعا در نظر عترت طاهرین علیهم السلام

دعا از منظر آیات نورانی قرآن کریم از چنان جایگاهی برخوردار است که مطابق آیه ۷۷ سوره فرقان «اگر دعای انسان نبود، خدای متعال به انسان نگاه هم نمی‌کرد». آنچه که باعث توجه پروردگار به انسان می‌گردد و می‌تواند رضایت الهی را در پی داشته باشد، تقرب انسان به خدا و رسیدن او به مقام کمال است که این مهم تنها از مسیر دعا و ارتباط با خدا به دست می‌آید؛ از این رو رمز موفقیت انسان را باید در این ارتباط جستجو کرد. چنان‌که تشبیه ملموس دعا به سلاح و سپر مؤمن، کلید خزائن الهی، کلید نجات، ستون دین و نور آسمان‌ها و زمین در آموزه‌های اسلامی بیانگر و مؤید این نظر است.^۲ اهمیت دعا در یک جمله به عنوان محبوب‌ترین عمل انسان نزد خدای سبحان قابل ترسیم است، چنان‌که امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْأَرْضِ الدُّعَاءُ».^۳

آلکسیس کارل^۴ در کتاب *نیایش* می‌نویسد:

نیایش در همان حال که آرامش را پدید آورده است، در فعالیت‌های مغزی انسان یک نوع شکفتگی و انبساط باطنی پدید می‌آورد و گاهی روح قهرمانی و دلاوری را تحریک می‌کند. نیایش خصائل خویش را با علامات بسیار مشخص و منحصر به فرد نشان می‌دهد. صفای نگاه، متانت رفتار، انبساط و شادی درونی، چهره پر از یقین، استعداد هدایت و نیز استقبال از حوادث، اینها است که از وجود یک گنجینه پنهان در عمق روح ما حکایت می‌کند و تحت این قدرت حتی مردم عقب‌مانده و کم‌استعداد نیز می‌توانند نیروی عقلی و اخلاقی خویش

۱. *نهج البلاغه*، نامه ۳۱.

۲. رک: کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۴۶۸.

۳. همان، ص ۴۶۷.

۴. Alexis Carrel طیب و روان‌شناس مشهور فرانسوی.

را بهتر به کار بندند و از آن بیشتر بهره گیرند؛ اما متأسفانه در دنیای ما کسانی که نیایش را در چهره حقیقی اش بشناسند، بسیار کمند.^۱

فراوانی روایات انگیزشی و معرفتی معصومان علیهم السلام در موضوع دعا^۲ نشان دهنده جایگاه و اهمیت والای دعا در فرهنگ اسلامی است. چنان که دعای کمیل و سایر مناجات امام علی علیه السلام در نخلستان ها، دعای عارفانه عرفه امام حسین علیه السلام در صحرای عرفات و ادعیه بی نظیر امام سجاده علیه السلام در صحیفه سجاده به روشنی گواه آن است.

پیشینه دعا

دعا همزاد بشر است و انسان از همان آغاز آفرینش به دلیل فقر مطلق و برخورداری از قوه تعقل و آمیختگی سرشت آدمی با فطرت، به نوعی با دعا و پرستش و درخواست از کسی که فوق بشر است، همراه بوده است، چنان که شهید مطهری در این باره می نویسد:

مطالعه آثار زندگی بشر نشان می دهد هر زمان و هر جا که بشر وجود داشته است، نیایش و پرستش هم وجود داشته است. چیزی که هست شکل کار و شخص معبود متفاوت شده است: از نظر شکل از رقص ها و حرکات دسته جمعی موزون همراه با یک سلسله اذکار و اوراد گرفته تا عالی ترین خضوع ها و خشوع ها و راقی ترین اذکار و ستایش ها، و از نظر معبود از سنگ و چوب گرفته تا ذات قیوم ازلی ابدی منزّه از زمان و مکان.^۳

پیامبران یکی در پی دیگری آمدند تا فطرت ارزشمند انسان ها را - که همچون گنج در زیر خاک مدفون شده است - آشکار سازند.^۴ ماموریت پیامبران بیدارسازی فطرت الهی انسان ها در پرستش خدای متعال و بیان آداب و اعمال ناظر بر آن است و الا پرستش و دعا ابداع پیامبران الهی نیست، به گونه ای که مسبوق به سابقه قبلی نباشد.

۱. کارل، نیایش، ص ۲۷.

۲. رک: کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۴۶۶، «کِتَابُ الدُّعَاءِ»؛ مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۹۰، ص ۱۴۷.

۳. مطهری، *مجموعه آثار*، ج ۲، ص ۲۷۸.

۴. عن علی علیه السلام: «فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَآتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذِنُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَيَذَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَّ يَعْمَتِهِ ... وَبَيِّرُوا لَهُمْ دَقَائِنَ الْعُقُولِ؛ پیامبران در میان آنها مبعوث ساخت، و پی در پی رسولان خود را به سوی آنان فرستاد، تا پیمان فطرت را از آنان مطالبه نمایند و نعمت های فراموش شده را به یاد آنها آورند ... گنج های پنهانی عقل ها را آشکار سازند.»
(نهج البلاغه، خطبه ۱)

دستاوردهای دعا

بر پایه آنچه در بحث اهمیت دعا از نظر گذشت، اهمیت دعا بیانگر وجود آثار، برکات و دستاوردهای مهم برای انسان در حوزه مسائل مادی و معنوی است که در این بخش به بررسی بخشی از مهم‌ترین دستاوردهای دعا پرداخته می‌شود:

۱. دستاوردهای مادی

خدای متعال انسان را برای زندگی جاودانی و بهره‌مندی از نعمت‌های بی‌کران آن آفرید و برای دستیابی به آن قوانین و دستورالعمل‌هایی را تشریح نمود. از نظرگاه آموزه‌های اسلامی دنیا نقش منزلگاه و پل ارتباطی برای دسترسی به آن را عهده‌دار است. کسانی که در این منزلگاه دستوره‌های الهی مبتنی بر روش زندگی را نصب العین خود قرار دادند، به سرای بهشت وارد خواهند شد و الا جز خسران نتیجه‌ای نخواهند برد.

قرآن کریم از یکسو خزائن آسمان‌ها و زمین را تنها از آن خدای متعال می‌داند^۱ و ازسوی دیگر بیان می‌کند که کلیدهای دسترسی به آسمان‌ها و زمین فقط در دست خداست^۲ و از انسان‌ها خواسته است از فضل خدا برای نیازهای خویش درخواست کنند.^۳ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَحَبُّ شَيْئًا لِنَفْسِهِ وَأَبْغَضُهُ لِحَلْقِهِ أَبْغَضَ عَزٍّ وَجَلٍّ لِحَلْقِهِ الْمَسْأَلَةَ وَ أَحَبُّ لِنَفْسِهِ أَنْ يُسْأَلَ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ فَلَا يَسْتَحْيِي أَحَدَكُمْ أَنْ يَسْأَلَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ فَضْلِهِ وَ لَوْ شِيعَ نَعَلٌ.^۴

خداوند تبارک و تعالی، صفتی را بر خود محبوب و بر آفریدگانش مبعوض داشته است؛ گدایی و دریوزگی را در برابر خود، محبوب می‌شمارد و در برابر دیگران مبعوض می‌دارد. هیچ عبادتی به درگاه خدا بالاتر از این نیست که دست طلب بردارند و از پیشگاه او مسئلت نمایند. مبدا کسی از گدایی درگاه خدا شرم کند، گرچه به خاطر یک بند کفش باشد.

بر پایه فرمایش‌های فوق راه درخواست امور مادی از خدای متعال باز است و خدا دوست دارد بندگان خواسته‌های خویش را تنها از او بخواهند ولو اینکه آن درخواست همانند بند کفش در نظر آدمی بی‌ارزش باشد.

۱. منافقون / ۷.

۲. شوری / ۱۲.

۳. نساء / ۱۲.

۴. صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۰.

در ادامه به بخشی از مهم‌ترین دستاورد‌های مادی دعا اشاره می‌شود:

یک. آرامش بخشی

آرامش یک از ضروری‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای انسان در زندگی است؛ بدان حد که تعادل و قوام زندگی و رشد جسمی و روحی انسان بدان وابسته است و با فقدان و حذف آن هیچ چیز دیگری توانایی پر کردن خلأ آرامش را ندارد. از این رو انسان همواره به دنبال دستیابی به آرامش است و بخش قابل ملاحظه‌ای از پژوهش‌های علوم انسانی به مطالعات و تحقیقات روان‌شناسی پیرامون آرامش و اضطراب و عوامل و موانع آن، اختصاص یافته است.^۱

امور معنوی از جمله دعا و توسل در ایجاد و افزایش آرامش و تقویت روحیه بیماران و بهبود سیستم ایمنی بدن آنها، قابل انکار نیست. افزون بر آنکه بر پایه آموزه‌های اعتقادی و مشاهده‌های میدانی، دعا و توسل بر بهبود بیماران تأثیر مستقیم و بی‌واسطه دارد.^۲

دعای واقعی، پیونددهنده ارتباط حقیقی با خدای متعال است. نتیجه پیوند داعی با خدایی که سراسر نور و رحمت است چیزی جز آرامش را به همراه نخواهد داشت.

دعا، اتصال به بالاترین قدرت و بخشنده‌ترین و برترین برآورده‌کننده نیازهاست. از این رو دعا مایه آرامش دل دعاکننده است. گاه صرف دعا و مناجات با پروردگار عالمیان انسان را از نظر روحی و روانی تخلیه نموده و موجب آرامش انسان است. ضعف، بی‌پناهی و احساس نیاز انسان را دچار نگرانی و اضطراب کرده، راحتی و آرامش را از او می‌زداید اما اتصال به واسطه دعا به منبع قدرت پناهگاه امن، انسان را با دنیایی از آرامش و اطمینان قلبی رهاکننده از شر نگرانی‌ها و اضطراب‌ها مواجه می‌سازد.

۱. فقیهی، *جوان و آرامش*، ص ۲۲۸.

۲. برای مشاهده و مطالعه نمونه‌هایی از تأثیرگذاری دعا، بر بیماران بنگرید به: ترکی و دیگران: «تأثیر دعا بر شدت درد بیماران حین سنگ‌شکنی»، *دین و سلامت*، شماره ۱۵؛ ساری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۱۳۹۹ ش، ص ۲۷ - ۲۰. ثابت سروستانی و دیگران: «تبیین تجربه مادران دارای کودک مبتلا به فلج مغزی از تلاوت قرآن کریم (یک مطالعه کیفی)»، *دین و سلامت*، شماره ۱۲؛ ساری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۱۳۹۸، ص ۱۰ - ۲. سیاوشی و دیگران: «بررسی تأثیر دعا بر سلامت معنوی بیماران مبتلا به نارسایی مزمن قلبی»، *دین و سلامت*، شماره ۱۰؛ ساری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۱۳۹۷، ص ۳۶ - ۳۰ آقاجانی و اکبری: «ارتباط دعاکردن و امید به زندگی با سلامت عمومی زنان مبتلا به سرطان سینه»، *دین و سلامت*، شماره ۸؛ ساری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۱۳۹۶، ص ۱۰ - ۲. جنتی و دیگران: «معنویت و عوامل مرتبط با آن در بیماران تحت درمان با همودیالیز»، *دین و سلامت*، شماره ۷؛ ساری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۱۳۹۵، ص ۱۹ - ۱۳. حجتی و دیگران: «ابعاد توسل به دعا در بیماران سرطانی»، *دین و سلامت*، شماره ۴؛ ساری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۱۳۹۴، ص ۷۲ - ۶۶. کلاتتری و دیگران: «بررسی رابطه ابعاد دعا و سلامت معنوی در بیماران تحت درمان با دیالیز استان ایلام»، *دین و سلامت*، شماره ۴، ساری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۱۳۹۴، ص ۳۸ - ۳۳.

همان گونه که به واسطه تکنیک‌های علمی، می‌توان انرژی اتم را آزاد کرد با قدرت دعا نیز می‌توان انرژی معنوی را آزاد ساخت و آثار این قدرت انرژی‌زا را در بسیاری از امور به عیان مشاهده نمود.^۱

دو. افزایش تاب‌آوری و تحمل (سبک شدن)

هنگامی که بار مشکلات و گرفتاری انسان افزایش می‌یابد و همه درها برای پشتیبانی و حمایت از او به روی او بسته است، تنها یک چیز است که می‌تواند به انسان در برابر مشکلات و تحمل مصائب و سختی‌ها یاری‌رسان باشد و آن ارتباط با خدا و حضور در محضر او و تضرع و طلب نصرت از خدای عالم و قادر و شکست‌ناپذیر است. از این رو هنگام فشارهای روحی و روانی آنچه که به انسان نیرو و قدرت تاب‌آوری و تحمل می‌دهد ذکر و یاد خدای متعال است که در این اوقات خواندن دو رکعت نماز از روی اخلاص و توجه قلبی بسیار اثربخش است؛ چراکه در میان اذکار و ادعیه، نماز بالاترین ذکر پس از قرآن کریم است و تنها در سوره حمدی که قرائت می‌شود با توصیف و مناجات پروردگار به حمد و ربوبیت و رحمانیت و رحیمیت و مالکیت، توحید در عبادت و استعانت و درخواست‌رهایی و تحمل و قرارگرفتن در صراط مستقیم همراه است.

سه. نهراسیدن از مستکبران

استکبار از ریشه «کبر» و کبر به معنای خودبزرگ‌بینی است. راغب اصفهانی در این باره می‌نویسد:

کِبْرٌ وَ تَكَبُّرٌ وَ اسْتِكْبَارٌ در معنا به هم نزدیکند. کبر حالتی است که انسان با بزرگ دیدن خویش به آن صفت مخصوص می‌شود و همان است که انسان جان و وجود خویش را از غیر خویش بزرگ‌تر می‌بیند.

استکبار دو وجه دارد: یکم این است که انسان قصد کند و بخواهد که بزرگ شود و اگر این حالت در مورد چیزی که لازم و واجب می‌شود یا در مکان و زمانی که بزرگی و استکبار در آن واجب است، باشد آن استکبار، محمود و پسندیده است. دوم استکبار در افزون‌طلبی، و برتری‌جویی به طوری که از نفس و وجود او چیزی که شایسته او نیست و از آن او نیست، آشکار شود که این استکبار، مذموم و ناپسند است.^۲

امام علی علیه السلام کبر را بزرگترین عیب‌ها، نقطه سرکشی‌ها و عظیم‌ترین دام‌های شیطان یاد کرده است.^۳ خودبزرگ‌بینی می‌تواند منشأ‌های مختلفی داشته باشد. به عنوان نمونه امیرمؤمنان حسب و نسب را از جمله

۱. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، *روان‌شناسی آرامش و راحتی*، ص ۱۱۴ و ۱۱۶.

۲. راغب اصفهانی، *مفردات الفاظ القرآن*، ص ۶۹۷.

۳. *اللَّهُ اللَّهُ فِي ... سَوْءِ عَاقِبَةِ الْكِبْرِ فَإِنَّهَا مَصِيدَةُ إِبْلِيسَ الْعُظْمَى*. (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲)

این مناشی دانسته و می‌فرماید:

فَالْحَذَرَ الْحَذَرَ مِنْ طَاعَةِ سَادَاتِكُمْ وَكِبْرَائِكُمْ الَّذِينَ تَكْبَرُوا عَنْ حَسَبِهِمْ وَ تَرَفَّعُوا فَوْقَ نَسَبِهِمْ
وَ الْقَوَا الْهَجِينَةَ عَلَي رَبِّهِمْ وَ جَاحِدُوا اللَّهَ عَلَي مَا صَنَعَ بِهِمْ مُكَابِرَةً لِقَضَائِهِ وَ مُعَالَبَةً لِأَلَانِهِ
فِيئَهُمْ قَوَاعِدُ أَسَاسِ الْعَصِيَّةِ وَ دَعَائِمُ أَرْكَانِ الْفِتْنَةِ وَ سُيُوفُ اعْتِرَافِ الْجَاهِلِيَّةِ.^۱

زنهار زنهار از پیروی و اطاعت بزرگترها و رؤسایان بر حذر باشید؛ همان‌ها که به واسطه موقعیت خود تکبر می‌فروشند؛ همان‌ها که خویشتن را بالاتر از نسب خود می‌شمارند و کارهای نادرست را (از طریق اعتقاد به جبر همچون شیطان) به خدا نسبت می‌دهند و به انکار نعمت‌های خدا برخاستند تا با قضایش ستیز کنند و نعمت‌هایش را نادیده گیرند؛ آنها پی و بنیان تعصب و ستون و ارکان فتنه و فساد و شمشیرهای تفاخر جاهلیت‌اند.

آنچه که به انسان جرئت تعدی به دیگران را می‌دهد داشتن قدرت روحی و مادی از یک‌سو و فراموشی یاد خدا ازسوی دیگر است. از این‌رو تاریخ همواره شاهد و ثبت‌کننده گوشه‌هایی از تجاوزها، ظلم‌ها و بیدادگری‌های مستکبران بر مستضعفان بوده است. از زمان حضرت آدم علیه السلام تا کنون همیشه در برابر جریان حق، جریان باطل استکبار وجود داشته است. جلوه این استکبار در دوره معاصر به علت اینکه این جریان با چپاول سرمایه مادی و دانش انسانی ملت‌های مظلوم، خود را به زر و زیور و زور و دستاوردهای علمی و اقتصادی ناشی از آن تجهیز کرده‌اند، بیشتر است.

همان‌طور که پیشتر بیان شد، دعا سلاح برنده مؤمنان است. از این‌رو گروه مؤمنان با سلاح دعا و استغاثه به درگاه الهی مستکبران را بر زانوی ذلت نشانده و خواهند نشانید و این ارتباط با خدا نیرو و توان ایستادگی در برابر متکبران را به انسان می‌دهد.

چهار. دستیابی به نعمت‌های مادی

«طلب» از جمله واژه‌های معادل دعاست. خدای متعال با تأکید و حصر نمودن مالکیت آسمان‌ها و زمین و آنچه در آن است با فرازهایی چون: «وَكَلَّمَ مَلَكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا»^۲ و «وَكَلَّمَ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۳ راه دستیابی به آنها را نیز به خود اختصاص داده است: «لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۴. خدای متعال یکی از مسیرهای مهم برای دسترسی به نعمت‌های بی‌پایان خویش را دعا دانسته است

۱. همان.

۲. مائده، / ۱۷.

۳. منافقون / ۷.

۴. شوری / ۱۲.

و با بیان: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^۱ به صورت مطلق، از بندگان خواسته است تا هرگونه خواسته خود را از او مطالبه کنند که تنها او «إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۲ است. بر این پایه خدای متعال در صورت پاسداشت شرایط دعا از سوی بندگان، دعای داعی را به اجابت می‌رساند.

۲. دستاوردهای معنوی

همان‌گونه که در مباحث مقدماتی بیان شد انسان از دو بعد مادی و معنوی آفریده شده است. از این رو امور معنوی بدان معنا نیست که هیچ نقشی در زندگی مادی انسان ندارد بلکه به عکس نقش امور معنوی در زندگی مادی انسان بسیار مهم و اثرگذار است، به گونه‌ای که پاسخ به این سوال که: «آیا کشاورز برخوردار از آب، زمین و بدن سالم و قوی اما کاملاً ناامید نسبت به آینده، به امر طاقت‌فرسای کشاورزی روی خواهد آورد؟» نزد همگان کاملاً منفی است بلکه این امید به آینده است که کشاورز را وادار به کاشت زمین و بهره‌مندی از نعمت‌های وافر آن می‌کند.

در ادامه به بیان مهم‌ترین دستاوردهای معنوی دعا پرداخته می‌شود:

یک. احساس تقرب به خدای متعال

عبادت پس از ایمان به خدای سبحان، نقش بسیار مؤثری در تقرب به پروردگار عالمیان دارد. انسان با عبادت - که گوهر آن دعاست و این گوهر گران‌بها در هر شکلی از عبادت جریان دارد - خود را در محضر خدا می‌بیند و احساس می‌کند به خدا نزدیکتر شده است. چنان که در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نماز بهترین چیزی است که انسان پس از شناخت خدا، به وسیله آن به درگاه الهی تقرب می‌جوید.^۳ نماز وسیله نزدیک شدن به خدای سبحان برای هر شخص پرهیزکار است: «عن الرضا علیه‌السلام: الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ»^۴.

از نظر معصومان علیهم‌السلام نزدیکترین حال بنده به خدا، حالی است که در سجده باشد، چنان که امام

باقر علیه‌السلام می‌فرمود:

إِنَّ أَقْرَبَ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ الرَّبِّ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ سَاجِدٌ بَاكٍ.^۵

نزدیکترین حالی که بنده به پروردگار عزوجل دارد، آن زمانی است که در سجده باشد و گریان.

۱. غافر / ۶۰.

۲. بقره / ۲۰.

۳. عن الكاظم علیه‌السلام: «أَفْضَلُ مَا تَقَرَّبَ بِهِ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ بِهِ الصَّلَاةُ». (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۴۴)

۴. صدوق، کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۱۰.

۵. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۸۳.

البته این امر در صورتی است که انسان تمام توجه و هم و غمش به سوی پروردگار معطوف گردد و او خالصانه و خاشعانه و با تمام وجود آن خدای بی‌همتای را بخواند. از این رو از جمله آثار دعا تمایل و عشق داعی به نماز و رکوع و سجود در محضر پروردگار هستی است.

دو. عشق و وابستگی به خداوند

دعا کشش انسان به محضر پروردگار جهانیان است. تداوم این ارتباط و معرفت‌افزایی نسبت به مدعو و یادکرد نشانه‌ها و نعمات بی‌کران او و اجابت‌های مکرر و فضل‌مندانه خدای کریم، انسان را وابسته و عاشق خدا می‌کند. از این رو گاه انسان چنان غرق در دعا و مناجات با خداست که خواست خود را فراموش می‌کند یا با نظر داشت این همه الطاف و نعمات خرد و کلان و عظمت پروردگار، از طرح طلب خویش امتناع می‌ورزد که البته خدای عالم به اسرار نهانی انسان‌ها، این فضیلت بنده را بی‌پاسخ نمی‌گذارد؛ چنان که در حدیثی قدسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى مَنْ شَغَلَهُ ذِكْرِي عَنْ مَسْأَلَتِي أُعْطِيَتهُ أَفْضَلَ مَا أُعْطِيَ لِسَائِلِينَ»^۱. اگر بنده آنقدر در ذکر خدا غرق شد که فراموش کرد خواسته‌اش را از خدا طلب کند خدا بهتر از آنی که به سوال‌کنندگان داده عطا می‌فرماید.

سه. غفلت‌زدایی

بر پایه آیه «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^۲ وجود و هستی انسان از خدای فاطر است و انجام و بازگشت او نیز به سوی اوست. خدای حکیم برای رساندن انسان به نقطه اوج کمال و قرب الهی، از زمانی که انسان جامه خلقت بر تن می‌کند تا زمانی که جامه سفید مرگ را به تن خواهد نمود، برنامه و نقشه راه ارائه نموده است؛ راهی که رهزنان شیطانی؛ از انس و جن در آن فراوان است اما یاد خدا کلید رهایی و نجات از دست رهزنان و وسیله دستیابی به مقام قرب الهی است و غفلت و فراموشی خدا - که ریشه همه انحراف‌ها، کجی‌ها و فسادها است - نتیجه‌ای جز خسران و خروج از این مسیر سعادت‌بخش و ورود به جریان و مسیر انحراف و فساد ندارد. زنده نگهداشتن یاد خدا، غفلت از خدا را از دل و جان آدمی می‌زداید. ابزار زنده نگهداری یاد خدا دعاست، از این رو بزرگترین خسارت محرومان از دعا، ابتلا به غفلت و خروج از یاد خدا از دل و زبان آنان است.

هر یک از فرایض و احکام الهی از جمله فرایض عبادی مانند نماز و روزه، دارای حدود و ثغوری است که رسیدن به آن حد به معنای انجام و رسیدن به خط پایان آن فریضه است. جز ذکر و یاد خدا که پایانی

۱. منسوب به امام صادق علیه السلام، مصباح الشریعة، ص ۱۳۴.

۲. بقره / ۱۵۶.

جز مرگ برای آن متصور نیست. چنان که امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ إِلَّا الذِّكْرَ فَلَيْسَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ»^۱.

چهار. رستگاری به واسطه اخلاص در دعا

کسی که به سمت دعا و ارتباط با خدا گام می‌نهد، ممکن است در ابتدای راه با شرایط و آداب دعا آشنایی و انس لازم را نداشته باشد اما رفته‌رفته به این نکته رهنمون می‌شود که از جمله شرایط اجابت و پذیرش دعا، اخلاص داعی است. از این رو تلاش او بر آن استوار می‌گردد تا اخلاص را در اعمال خود پدید آورد. خداوند نیز به ازاء هر درجه از اخلاص داعی بر اخلاص او می‌افزاید تا بدانجا که دعاکننده تمام اعمال و وجود خود را آکنده از اخلاص نماید و مصداق آیه شریفه: «قُلْ إِيَّيْ أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ»^۲ گردد.

نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَجَرَّ اللَّهُ يَنَابِيعَ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَي لِسَانِهِ.^۳

کسی که چهل روز خود را برای خدا خالص کند، خداوند متعال چشمه‌های حکمت را از قلب او بر زبانش می‌جوشاند.

مطابق فرمایش امام علی علیه السلام چنین کسی که عبادتش را با اخلاص مقرون ساخت به مرحله سعادت و رستگاری نایل می‌گردد: «فَازَ بِالسَّعَادَةِ مَنْ أَخْلَصَ الْعِبَادَةَ»^۴ و زندگی او سراسر رستگاری و آرامش خواهد بود؛ چنان که امام رضا علیه السلام به نقل از امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

طُوبَى لِمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ الْعِبَادَةَ وَالِدُّعَاءَ وَ لَمْ يَشْغَلْ قَلْبُهُ بِمَا تَرَى عَيْنَاهُ وَ لَمْ يَنْسَ ذِكْرَ اللَّهِ بِمَا تَسْمَعُ أُذُنَاهُ وَ لَمْ يَحْزَنْ صَدْرَهُ بِمَا أُعْطِيَ غَيْرُهُ.^۵

پنج. رشد فضایل اخلاقی

انسان در زندگی روزمره خویش با فضایل و رذایل اخلاقی فراوانی مواجه است. انتخاب یک فضیلت به معنای دوری جستن از یک رذیلت است و بالعکس. وقتی انسان به دعا - که از مهم‌ترین راه‌های ارتباط با خداست - انس می‌گیرد و به معنای الفاظ دعا و مناجات با خدا توجه و التفات می‌نماید که با خدای

۱. کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۴۹۸.

۲. زمر / ۱۱.

۳. ابن‌فهد حلّی، *عمدة الداعی*، ص ۲۳۲.

۴. لیثی واسطی، *عیون الحکم والمواعظ*، ص ۳۵۸.

۵. کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۱۶.

خویش چه سخنی را با زبان قلب یا زبان دل می‌رانند، رفته‌رفته با معنا و مفاد اذکار رابطه برقرار می‌سازد و همین توجه و ارتباط گرفتن با مفاهیم و مضامین دعا باعث می‌گردد با هر عملی که بر خلاف مفاد آن دعا است، فاصله بگیرد؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصًا دَخَلَ الْجَنَّةَ وَ إِخْلَاصُهُ بِهَا أَنْ يَحْجُزَهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ.^۱

شش. امیدآفرینی و امیدافزایی

فقدان دستیابی به تلاش‌های بی‌وقفه انسان در طول زندگی، گاه ممکن است او را برای همیشه مأیوس و ناامید سازد، در این‌گونه موارد، آنچه بارقه امید را در دل‌ها روشن نگه می‌دارد و انسان را وادار به کوشش مجدد می‌کند، دعا و ارتباط با کسی است که در نزد او واژه‌های دشوار و آسان و بن‌بست و هموار و ناهموار و شدن و نشدن بی‌معناست.

انسان در طول زندگی ممکن است با حوادثی مواجه شود که او را از آینده کاملاً مأیوس و ناامید سازد. در این هنگام هر دری را که می‌کوبد و هر مسیری را که طی می‌نماید او را ناامیدتر از گذشته می‌کند. در این جهان پهناور تنها دری که گشودن آن ثمربخش است، درب خانه خدای متعال است؛ چراکه او مسبب الاسباب است و بر انجام هر کاری قادر و تواناست. چنان‌که مقام معظم رهبری می‌فرماید:

رابطه دعا، رابطه قلبی شما با خداست. دعا، یعنی خواستن و خدا را خواندن. خواستن، یعنی امیدواری. تا امید نداشته باشید، از خدا چیزی را درخواست نمی‌کنید. انسان ناامید که چیزی طلب نمی‌کند. پس دعا؛ یعنی امید که ملازم با امید به اجابت است. این امید به اجابت، دل‌ها را مشتعل می‌کند و منور نگه می‌دارد.^۲

نفس ارتباط با خدا روزنه امید را در قلب انسان روشن می‌سازد و بر امید کم‌فروغ او می‌دمد. حسن ظن درباره پروردگار موجب نجات در دنیا و آخرت است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «برای مؤمن سزاوار آن است که از خدا آن‌گونه بترسد که گویی در کنار دوزخ قرار گرفته و مشرف بر آتش است، و آن‌چنان به او امیدوار باشد که گویی اهل بهشت است»^۳؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «این گمانی است که شما به خدا پیدا کردید و سبب هلاکتان شد»^۴. امام رضا علیه السلام درباره حسن ظن و امیدواری به

۱. صدوق، *ثواب الأعمال*، ص ۵.

2. https://farsi.khamenei.ir/speech_content?id=45178.

۳. طبرسی، *مجمع البیان*، ج ۹، ص ۱۴.

۴. فصلت / ۲۳.

رحمت خدای متعال می‌فرماید: «نسبت به خدا ظن نیکو داشته باشید چراکه خدای متعال می‌فرماید: من بر اساس ظن بنده مؤمن خود رفتار می‌کنم، اگر حسن ظن داشته باشد، همان ظنش را محقق می‌سازم، و اگر سوء ظن داشته باشد، مثل ظن او با وی رفتار می‌کنم.»^۱
در تفسیر قمی به سند خود از امام صادق علیه السلام آمده است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ بنده‌ای نیست که به خدای عزوجل حسن ظن داشته باشد؛ مگر آنکه خدا را مطابق ظن خود خواهد یافت، و این همان قول خدای عزوجل است که می‌فرماید: «وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ...»^۲

مثبت‌اندیشی و امیدواری از صفات شخصیتی و روانی انسان‌های رشدیافته است. آیات و روایات فوق نشانگر آن است که انسان همواره باید حتی درباره خدای خویش مثبت‌اندیش و خوش‌گمان باشد و همیشه چشم امید به رحمت و شفقت او داشته باشد؛ در این صورت است که به خواسته‌ها و آرزوهایش دست پیدا می‌کند؛ از این‌رو، در مناجات پر رمز و راز شعبانیه می‌خوانیم:

إِلٰهِي كَيْفَ انْقَلَبُ مِنْ عِنْدِكَ بِالْحَيَبَةِ مَحْرُومًا وَقَدْ كَانَ حُسْنُ ظَنِّي بِجُودِكَ أَنْ تَقْلِبَنِي بِالتَّجَاةِ مَرْحُومًا.^۳

معبودا! چگونه از درگاهت دست خالی برگردم، با آنکه حسن ظن به جود و بخشایش تو دارم، که برگردانی مرا پیروزمندانه و مهربانی!

در فرازی دیگر آمده است:

إِلٰهِي لَمْ أُسَلِّطْ عَلَيَّ حُسْنُ ظَنِّي قُنُوطَ الْآيَاسِ، وَلَا أَنْ - قَطَعَ رَجَائِي مِنْ جَمِيلِ كَرَمِكَ.^۴
خدایا بر حسن ظنم به تو، یأس و ناامیدی را مسلط مساز و دست امیدم را از دامن کرم نیکویت جدا مگردان!

هفت. تواضع‌آفرینی

همه اوصاف جمال و جلال از آن خدای رحمان و رحیم است. او عظیم و رفیع و علو است. هر چیز در

۱. کلینی، *التکافی*، ج ۲، ص ۷۲.

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ يَظُنُّ بِاللَّهِ خَيْرًا إِلَّا كَانَ عِنْدَ ظَنِّهِ بِهِ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ: «وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ

بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ». (قمی، *تفسیر القمی*، ج ۲، ص ۲۶۵)

۳. ابن طاووس، *إقبال الأعمال*، ج ۲، مناجات شعبانیه، ص ۶۸۶

۴. همان، ص ۶۸۷

مقایسه با عظمت خدا کوچک و بی‌ارزش است. چنان‌که از جمله ویژگی‌های بندگان مقرب الهی همین نگاه است. امام علی علیه السلام درباره ویژگی متقین می‌فرماید: «عَظُمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ»^۱.

خدای متعال از بندگان خواسته است تا با حال خشوع به درگاه الهی قدم گذارند. و همه چیز خود حتی بی‌ارزش‌ترین نیازمندی‌های خود را از خدا بخواهند.

این‌گونه حضور به درگاه الهی سر بنده را در هر مقام و جایگاه و رتبه و موقعیتی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی باشد، به زیر فرومی‌افکند و هنگامی که عظمت و غنای الهی و خردی و فقر مطلق خود را می‌بیند، در مقام مقایسه جایگاه خود را در میان بندگان بی‌ارزش خواهد دید. همین ارتباط با خدا او را به تواضع وامی‌دارد که در برابر خدای متعال هیچ است و هرچه دارد از لطف و کرم او دارد.

اهل دعا، با عبادت خدای خویش پای بر کبر و غرور خود گذاشته و از شمول مصداقی آیه «إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»^۲ خارج شده‌اند.

هشت. تحرک‌زایی

خدای متعال از بندگان خویش چنین خواسته است:

وَأَتَّبِعْ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ.^۳
و به هر چیزی که خدا به تو عطا کرده بکوش تا (ثواب و سعادت) دار آخرت تحصیل کنی و لیکن بهره‌ات را هم از (لذات و نعم حلال) دنیا فراموش مکن و (تا توانی به خلق) نیکی کن چنان‌که خدا به تو نیکویی و احسان کرده است.

خدای متعال مبدأ حرکت جهان آفرینش است. ارتباط با چنین خدایی که هر چه هست از اوست، به انسان نیرو و انرژی می‌دهد. این انرژی عامل حرکت انسان در زندگی حتی در شرایط سخت و طاقت‌فرسا است. از این رو داعی پس از اتکال به خدا و دعا و عبادت در محضر ربوبی الله جل جلاله به دنبال تلاش بیشتر و مؤثرتر خواهد بود تا خدمت بیشتری به خلق او نماید و در این میان رزق و روزی حلال را - که مطابق فرمایش معصومان علیهم السلام کسب آن از شمشیرزدن در راه خدا سخت‌تر است^۴ - نیز به دست می‌آورد.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

۲. غافر / ۶۰.

۳. قصص / ۷۷.

۴. عن الصادق علیه السلام: مُجَادَلَةُ السُّيُوفِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ الْحَلَالِ. (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۶۲)

نتیجه

بر پایه آنچه بیان شد، مهم‌ترین آثار و دستاوردهای دعا در محضر باری تعالی با ابتناء به روایات معصومان علیهم‌السلام را می‌توان بدین شرح بیان کرد:

۱. دستاوردهای دعا در بعد مادی و جسمانی انسان، اموری مانند: آرامش بخشی، افزایش تاب‌آوری و تحمل، نهراسیدن از مستکبران و دستیابی به نعمت‌های مادی است.
۲. دستاوردهای دعا در بعد روحی و معنوی انسان، اموری چون: احساس تقرب به خدای متعال، غفلت‌زدایی، رستگاری به واسطه اخلاص در دعا، رشد فضایل اخلاقی، امیدآفرینی و امیدافزایی، تواضع‌آفرینی و تحرک‌زایی است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه، گردآوری شریف رضی، تصحیح صبحی صالح، قم، دار الهجرة، بی‌تا.

۱. آقاجانی، محمدجواد و بهمن اکبری، «ارتباط دعا کردن و امید به زندگی با سلامت عمومی زنان مبتلا به سرطان سینه»، *دین و سلامت*، ش ۸، ساری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۱۳۹۶.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی، *إقبال الأعمال*، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۹ ق.
۳. ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، *عمدة الداعی و نجاح الساعی*، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۵. امام صادق علیه‌السلام (منسوب به)، *مصباح الشریعة*، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۰ ق.
۶. ترکی، معصومه، هایده حیدری، کبری نوریان، لیلی ربیعی و مرتضی سدهی، «تأثیر دعا بر شدت درد بیماران حین سنگ‌شکنی»، *دین و سلامت*، ش ۱۵، ساری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۱۳۹۹.
۷. ثابت سروستانی، راحله، زهرا هادیان شیرازی و علی خانی جیحونی، «تبیین تجربه مادران دارای کودک مبتلا به فلج مغزی از تلاوت قرآن کریم (یک مطالعه کیفی)»، *دین و سلامت*، ش ۱۲، ساری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۱۳۹۸.
۸. جنتی، یداله، میلاد ذاتی رستمی و سمانه امامی، «معنویت و عوامل مرتبط با آن در بیماران تحت درمان با همودیالیز»، *دین و سلامت*، ش ۷، ساری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۱۳۹۵.
۹. حجتی، حمید، نفیسه حکمتی‌پور، سمیرا خاندوستی، جمیله میرزاعلی، گل‌بهار آخوندزاده،

دستاورد‌های دعا در زندگی انسان از منظر روایات اسلامی □ ۹۱

- فاطمه کلنگی و ناهید مظفری‌نیا، «ابعاد توسل به دعا در بیماران سرطانی»، *دین و سلامت*، ش ۴، ساری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۱۳۹۴.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت و دمشق، دار القلم و الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
۱۱. راوندی، قطب‌الدین سعید بن هبة‌الله، *سلوة الحزین الشهیر بالدعوات*، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۷ ق.
۱۲. سیاوشی، محمد، مهدیه درودی، شاهین نوروزیه، مهدی جمالی‌نیک و رضا بردبار، «بررسی تأثیر دعا بر سلامت معنوی بیماران مبتلا به نارسایی مزمن قلبی»، *دین و سلامت*، ش ۱۰، ساری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۱۳۹۷.
۱۳. صدوق، محمد بن علی، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم، دار الشریف الرضی، ۱۴۰۶ ق.
۱۴. صدوق، محمد بن علی، *کتاب من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۱۶. فقیهی، علینقی، *جوان و آرامش*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ج ۶، ۱۳۸۹.
۱۷. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، قم، دار الکتب، ۱۴۰۴ ق.
۱۸. کلانتری، فرازمنند، طاهره محرابیان، سحر سواد کوهی و مهسا مسلمان، «بررسی رابطه ابعاد دعا و سلامت معنوی در بیماران تحت درمان با دیالیز استان ایلام»، *دین و سلامت*، ش ۴، ساری، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۱۳۹۴.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۹۷ ق.
۲۰. کارل، آلکسیس، *نیایش*، ترجمه علی شریعتی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۲، ۱۳۴۶.
۲۱. لیثی واسطی، علی بن محمد، *عیون الحکم والمواعظ*، قم، دار الحدیث، ۱۳۷۶.
۲۲. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۳. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، ج ۲، تهران، صدرا، ۱۳۸۲.
۲۴. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، *روان‌شناسی آرامش و راحتی*، تهران، قدر ولایت، ۱۳۸۵.

